



A Comparative Study of the Arrangement of Court Sessions in Iranian and French Law

Mirhamed Khani^{1*}

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.
(Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 159-173

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0005-9777-4882

TELL: +981143217000

Email: Mirhamed.khani@gmail.com

Article history:

Received: 02 Mar 2023

Revised: 12 May 2023

Accepted: 21 May 2023

Published online: 22 Jun 2023

Keywords:

*Criminal Proceedings,
Preliminary Session, Criminal
Law.*

ABSTRACT

The arrangement of criminal hearings is one of the important issues of criminal law that has not been discussed much. In this article, an attempt has been made to compare the arrangement of court sessions in Iranian and French law. The current article is descriptive and analytical, and it has been investigated using the library method. The findings indicate that the arrangements for criminal proceedings in Iranian and French law have a lot in common. In both Iranian and French laws, investigations and preliminary hearings are conducted after the discovery of a crime or the declaration of a crime by the accused or the prosecutor. Then it's time to issue a hearing order, determine the jurisdiction of the court and hold a preliminary hearing. Appeals and appeals are the sessions after the trial court. In the criminal law of France and Iran, the legislator did not accept a one-stage trial and for this reason, he has foreseen different stages so that there is no doubt about the legality of the final decision. Despite this, the courts of first instance, the Court of Appeal and the Supreme Court have duties and powers in compliance with the principle of legal proceedings. These duties and powers are wider in French law.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Khani, M (2023). "A Comparative Study of the Arrangement of Court Sessions in Iranian and French Law". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(2): 159-173.



دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲

بررسی تطبیقی ترتیب جلسات برگزاری دادگاه در حقوق کیفری ایران و فرانسه

میرحامد خانی*

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

ترتیب جلسات دادرسی کیفری از موضوعات مهم شکلی حقوق کیفری است که چندان مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. در مقاله حاضر تلاش شده به بررسی تطبیقی ترتیب جلسات برگزاری دادگاه در حقوق ایران و فرانسه پرداخته شود. مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که ترتیب جلسات دادرسی کیفری در حقوق ایران و فرانسه تا حدی زیادی دارای اشتراک است. هم در حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه، بعد از کشف جرم و یا اعلام جرم از سوی بزه‌دیده و یا دادستان، تحقیقات و جلسات مقدماتی انجام می‌شود. سپس نوبت به تعیین صدور قرار رسیدگی، تعیین صلاحیت دادگاه و برگزاری جلسه رسیدگی بدوی می‌رسد. جلسه تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی جلسات بعد از دادگاه بدوی است. در حقوق کیفری فرانسه و ایران قانون‌گذار دادرسی یک مرحله‌ای را مورد پذیرش قرار نداده و به همین جهت مراحل مختلفی را پیش‌بینی نموده است تا تردیدی در قانونی بودن رأی قطعی صادره نباشد. باوجوداین، دادگاه‌های بدوی، دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی کشور در رعایت اصل دادرسی قانونی دارای وظایف و اختیاراتی هستند که این وظایف و اختیارات در حقوق فرانسه، گسترده‌تر است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۹-۱۷۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۹۷۷۷-۴۸۸۲-۰۰۰۵-۰۰۰۹

تلفن: ۹۸۱۱۴۳۲۱۷۰۰+

ایمیل: Mirhamed.khani@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

آیین دادرسی کیفری، جلسه بدوی، حقوق کیفری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

کیفیت و نحوه دادرسی در کشورهای مختلف تحت تأثیر ماهیت دادرسی کیفری است. نظام اتهامی قدیمی‌ترین شیوه رسیدگی دعاوی است. این نظام از لحاظ تاریخی در خاور نزدیک (سومر و بابل)، روم یونان قدیم و در فرانسه پس از هجوم وحشیان به‌ویژه در قرن نهم میلادی وجود داشته و در حال حاضر نیز با تغییراتی چند و تحولی اجتناب‌ناپذیر در کشورهای آمریکای شمالی، کانادا، انگلستان و بسیاری از مستعمرات سابق بریتانیای کبیر بر رسیدگی‌های کیفری حاکم است (آشوری، ۱۳۷۵: ۱۸). ویژگی‌های نظام اتهامی عبارت‌اند از: (۱) ضرورت طرح شکایت شاکی خصوصی؛ (۲) شفاهی بودن رسیدگی؛ (۳) ترافعی بودن آگاهی متهم از ادله ارائه‌شده علیه خود؛ (۴) تساوی اصحاب دعوا (آشوری، ۱۳۷۵: ۲۱). این روش دارای مزیت (سازگاری با اصول دموکراسی) است. چون این امکان را فراهم می‌آورد تا هرکس بتواند در محکمه از حق خود دفاع کند. اگر محکمه او را محق به حق ادعایی دانست طرف مقابل را محکوم کرده و تظلم خواهی صورت خواهد پذیرفت، در غیر این صورت ادعای مطروحه از صفحه دادرسی کنار خواهد رفت (عظیم زاده، ۱۳۹۵: ۱۶). یکی دیگر از نظام‌های دادرسی کیفری، نظام دادرسی اسلام است. در نظام دادرسی اسلام تقسیم دادگاه در نظر گرفته نشده است. محکمه به‌عنوان محل رسیدگی به دعاوی به‌تمامی دعوای مطروحه توسط مدعی علیه مدعی علیه رسیدگی می‌نماید (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۶۵/۱۳). البته ساختار نوین دادرسی در ایران، به تقسیم دادگاه و انتقال وظایف به دادگاه عمومی و کیفری و سایر تقسیم‌بندی‌ها، نحوه و زمان دادرسی را متحول نمود و به آن شکل و ساختار داد. در حقوق ایران، در صدر ماده ۲ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مورد تأکید قرار گرفته و مقرر می‌دارد دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، اصل مذکور به‌عنوان یکی از نوآوری‌های این قانون به‌نوعی در ماده ۱۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نیز مورد توجه قرار گرفته تا دادستان را مکلف نموده باشد تمام وظایف خود را با محوریت توجه به قانون اعمال نماید. ماده مذکور مقرر می‌دارد: حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای

آن‌ها باید از طریق دادگاه صالح، به‌موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.»

در حقوق کیفری فرانسه نیز توجه ویژه به قانونی بودن دادرسی کیفری شده است. تصمیم به تعقیب کیفری یا به‌اصطلاح به حرکت درآوردن امر تعقیب، اصولاً در صلاحیت دادسرا و به عهده دادستان است که وظایف او در قانون معین شده است. از جمله وظایف مهم دادستان در امر تعقیب این است که وقتی از وقوع جرم مطلع شد و شرایط اجتماع ارکان مربوط به جرم (عناصر قانونی، مادی، معنوی) را احراز نمود و هیچ‌گونه مانعی از قبیل جنون، فوت متهم، صغر و غیره وجود نداشت رأساً یا توسط بازپرس به امر تحقیقات مقدماتی می‌پردازد. یعنی درواقع تعقیب کیفری را با رعایت قانون به حرکت درمی‌آورد. موضوعی که به‌طور کلی در ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به آن تصریح شده است: «دعای عمومی توسط قضات دادسرا ... که ... به آن‌ها سپرده شده است برای اعمال مجازات‌ها اقامه و اجرا می‌گردد». این مهم در مواد دیگر قانون (۳۱، ۳۴، ۳۵) نیز در بیان تکلیف به اقامه دعوا حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی و نظارت بر عملکرد دادسراهای زیرمجموعه مورد تأکید قرار داده است. درخصوص موضوعات مرتبط با دادرسی کیفری در حقوق ایران و فرانسه پژوهش‌های متعددی انجام شده است: روح‌الله سپهری، در مقاله‌ای به بررسی عدول از صلاحیت محلی در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه پرداخته است (سپهری، ۱۳۹۴). بهرام سالاری و عباس بابایی خانه سر نیز در مقاله‌ای، مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه را به‌صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داده است (سالاری و بابایی خانه سر، ۱۳۹۵). همچنین، ابراهیم رضا قلی زاده؛ حمیدرضا میرزاجانی و مجید شایگان فرد، در مقاله مبنا و ماهیت رسیدگی فرجامی در نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه را بررسی کرده‌اند (قلی زاده و همکاران، ۱۴۰۰). در این مقاله اما تلاش شده به بررسی این سؤال پرداخته شود که ترتیب جلسات برگزاری دادگاه در حقوق ایران و فرانسه چگونه است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا کشف جرم و اعلام جرم به‌عنوان مقدمات رسیدگی و دادرسی در دادگاه بررسی، سپس، جلسه دادرسی بدوی، سپس جلسه

تجدید نظر و در نهایت جلسه فرجام خواهی در حقوق کیفری ایران و فرانسه تبیین و تحلیل می شود.

۱- ترتیبات مرحله مقدماتی

۱-۱- کشف جرم

کشف جرم، مقدمه، پایه و اساس دادرسی کیفری و یکی از مهم ترین مراحل فرآیند دادرسی کیفری است و مطابق ماده ۶۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، و ماده ۴۱ - ۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقررات عمومی قانون آیین دادرسی کیفری در این مسأله حکم فرما خواهد بود. در حقوق ایران، بر اساس ماده ۲۲ ق.آ.د.ک، کشف جرم از وظایف دادسراست و در حقوق فرانسه، به موجب ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه کشف جرم از وظایف پلیس قضایی می باشد. مهم ترین طریق کشف جرائم در نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه، گزارش ضابطان دادگستری است. ضابطان دادگستری به عنوان عاملان نهاد کشف جرم، بازوی اجرایی دادسرا و دادگاه در راستای انجام وظایفشان هستند. در حقوق ایران، قانون گذار در قوانین مختلف حسب مورد از زمان کشف جرم تا مرحله اجرای مجازات تکالیفی را برعهده ضابطان قرار داده است. ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، در بیان تعریف ضابطان دادگستری چنین مقرر داشته است: «ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می کنند». ویژگی ضابطان دادگستری این است که آن ها را قانون تعیین و معرفی می کند و هیچ کس نمی تواند ضابط دادگستری بوده و از اختیارات ضابط استفاده کند، مگر اینکه این عنوان را قانون به او داده باشد.

در ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز ضابطان دادگستری مکلف شده اند: «نتیجه اقدامات خود را فوری به دادستان اطلاع دهند و چنان چه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند می تواند تکمیل آن را بخواهد در این صورت ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات به عمل آورند و نمی توانند متهم را تحت

نظر نگه دارند. در این راستا چنان چه در جرائم مشهود نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند در هر حال ضابطان نمی توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند» بامقایسه این مطالب با حقوق فرانسه می توان گفت پلیس قضائی فرانسه نیز به موجب ماده ۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور، زمانی که به عنوان ضابط رأساً و بدون دخالت دادستان تحقیقی را آغاز نموده است تکلیفی مشابه ماده ۳۵ و ۴۶ قانون جدید آیین دادرسی کیفری ایران را دارد و در صورتی که بیش از ۶ ماه از شروع تحقیقاتشان گذشته باشد باید گزارشی از روند پیشرفت کار و اقدامات خویش تنظیم و به دادستان ارائه دهند (Prade, 2011: 232). از سوی دیگر قانون گذار، فرانسوی مواد متعددی را به معرفی و تشریح وظایف پلیس قضائی در جایگاه ضابط دادگستری اختصاص داده و تکالیف و نحوه عملکرد آن ها را به شکل مشروح بیان نموده است. با استقرای در مواد قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، شاهد این مطلب هستیم که هر جا برای پلیس، قضائی وظیفه ای ملحوظ شده به نوعی محدوده زمانی انجام وظیفه، توسط او نیز روشن گردیده است. حال این محدوده زمانی انجام وظیفه گاه فوراً و بی درنگ و بدون هیچ گونه تعلل و وقفه پیش بینی گردیده و گاه ظرف مهلت کوتاه و اندک توسط قانون گذار، مورد اشاره قرار گرفته است (Boulloc, 2006: 174). از آن جمله ماده ۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه افسر پلیس (قضایی) در خصوص جرائم مشهود بعد از اطلاع از وقوع جرم بی درنگ می بایست دادستان شهرستان را از وقوع جرم مطلع کند و خود نیز در کوتاه ترین زمان و بدون تعلل در محل وقوع جرم حاضر گردد. علاوه بر این به موجب ماده ۱۹ قانون فوق الاشعار افسران پلیس، قضایی موظف اند بلافاصله دادستان شهرستان را در جریان کشف و شناسایی جنایات و جنبه هایی که نسبت به آن ها اطلاع و آگاهی پیدا نموده اند قرار دهند.

۱-۲-۱- اعلام جرم

۱-۲-۱- شکایت بزه‌دیده

شکایت شاکی، به‌ویژه در تعقیب جرائم قابل‌گذشت از اهمیت خاصی برخوردار است. بزه‌دیده یا قائم‌مقام قانونی وی می‌تواند به‌عنوان شاکی از اشخاص حقوقی شکایت نماید و تعقیب کیفری آن را از دادسرا بخواهد. طبق ماده ۱۰ ق.آ.د.ک، «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد» این ضرر اعم است از اینکه مادی باشد یا معنوی، ولی باید مستقیم باشد. مطابق ماده ۶۸ ق.آ.د.ک، «شاکی یا مدعی خصوصی مجاز است شخصاً یا توسط یک نفر وکیل شکایت خود را مطرح نماید. شکایت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد». براساس ماده ۶۹ قانون مذکور، «شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء یا اثر انگشت شاکی می‌رسد». برابر قسمت دوم ماده ۱ ق.آ.د.ک.ف، «دعوی عمومی می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در قانون مذکور، توسط زیان‌دیده از جرم به جریان افتد». همچنین مطابق ماده ۸۶ قانون ذکرشده، «بزه‌دیده می‌تواند نزد دادستان شهرستان یا واحد پلیس قضایی شکایت کیفری خود را مطرح نماید. در صورتی که بزه‌دیده، شکایت خود را نزد بازپرس مطرح کند بازپرس به ارسال شکایت نزد دادستان شهرستان، دستور می‌دهد تا این قاضی درخواست‌های خود را صادر نماید».

۱-۲-۲- اعلام جرم از طریق نهادهای عمومی و دادستان

امروزه در راستای افزایش سرعت درکشف و تعقیب جرائم، مقنن با پذیرش جایگاهی برای احاد جامعه، سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های دولتی و کارکنان آن‌ها، سعی نموده است در جهت مقابله با بی‌کیفرماندن بزه‌کاران و افزایش حمایت از برخی بزه‌دیدگان تلاش نماید (مهدی پور مقدم و شاملو، ۱۳۹۶: ۲۷۵). اعلام‌کننده جرم، اعم از اینکه یک شهروند عادی، یک شخص حقوقی و یا یک مأمور رسمی باشد، فاقد نفع شخصی در تعقیب جرم است و در حقیقت این اشخاص با اعلام خود، مقامات مسؤول را در کشف جرم و تعقیب متهم مطلع می‌کنند. به عبارت دیگر، اعلام جرم اقدامی است اخلاقی، مذهبی، اجتماعی و در پاره‌ای موارد قانونی که قوه قضاییه را در انجام دادن وظایفش یاری می‌دهد (آشوری، ۱۳۹۵: ۲۳۵). بنابراین اعلام‌کنندگان افرادی بزه‌دیده نیستند و شکایت نمی‌کنند و تنها ممکن است شاهد جرم باشند یا

به‌طور اتفاقی از وقوع جرمی مطلع شوند. از این‌رو اعلام جرم می‌تواند یا توسط افراد عادی و فاقد سمت رسمی صورت بگیرد و یا توسط مقامات رسمی. همچنین قانون آیین دادرسی کیفری به سازمان‌های مردم‌نهاد نیز اجازه اعلام جرم داده است. قانون‌گذار ایران و فرانسه، برخی از سازمان‌ها و مقامات رسمی را به دلیل سمت خود مکلف کرده است که در صورت آگاهی از وقوع جرم آن را به مقامات ذی‌صلاح اعلام نمایند؛ زیرا تکلیف به اعلام جرم، باعث حمایت از اқشار مختلف جامعه می‌شود.

ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرگاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یکی از جرائم غیرقابل‌گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند، مکلف‌اند موضوع را فوری به دادستان اطلاع دهند». برابر بند دوم ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه: «هر مقام و مرجع ذی‌صلاح، مأمور دولتی یا کارمندی که در راستای انجام وظایفش نسبت به یک جنایت یا جنحه آگاهی پیدا می‌کند، موظف است بلافاصله دادستان شهرستان را در جریان موضوع قرار دهد و کلیه اطلاعات، صورت جلسه‌ها و اسناد مربوطه را به او تحویل دهد». در حقوق فرانسه، کشف و اعلام اولیه جرائم فساد مالی - اداری، غالباً توسط سایر نهادها و اشخاص از قبیل: دیوان محاسبات، واحدهای بازرسی و اطلاعات مردمی انجام می‌یابد و درواقع نقش اصلی پلیس و ژاندارمری در پرونده‌های مربوطه بیشتر پیگیری تحقیقات و انجام دستورهای است که توسط مقام قضایی مربوطه صادر می‌شود. بنابراین شروع به تحقیقات مربوط به فساد اداری - مالی به‌ندرت توسط پلیس و به ابتکار خود صورت می‌گیرد (یزدی نظری نژاد، ۱۳۸۳: ۲۶۸-۲۶۴). در ایران نیز، سازمان بازرسی کل کشور به‌موجب بند الف ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰ و اصلاحی ۱۳۹۳، از کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و امور اداری و مالی دادگستری، سازمان‌ها و دستگاه‌های تابعه قوه قضاییه و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها و دفاتر اسنادرسمی و مؤسسات عام‌المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحاء بر آن‌ها نظارت یا کمک می‌نماید

او این دستور صادر می‌شود، ابلاغ می‌گردد تا در تاریخ و ساعت مشخص‌شده در دستور، نزد قاضی حضور یابد». این دستور، توسط قاضی که آن‌ها صادر کرده است، تاریخ‌گذاری، امضاء و مهر می‌شود. احضار به درخواست دادسرا، مدعی خصوصی و هر اداره‌ای که از نظر قانونی در این زمینه صالح محسوب می‌شود، صادر می‌شود. پس از صدور قرار جلب به دادرسی توسط بازپرس یا دادیار و موافقت دادستان با آن و صدور کیفرخواست، پرونده جهت محاکمه و صدور حکم به مرجع رسیدگی و حکم، یعنی دادگاه، ارسال می‌گردد.

دادگاه پس از حضور طرفین دعوا دادستان در صورت لزوم وکلا، شهود و مطلعان (در صورت وجود) رسمیت دادگاه را اعلام می‌کند. تشکیل جلسه رسمی در دادگاه بدوی الزامی است لذا اعلام رسمیت دادگاه از اهمیت خاصی برخوردار است (مهابادی، ۱۳۹۵: ۲۳۸). بر اساس ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری: «دادگاه ابتدا هویت متهم را احراز و مشخصات متهم، نشانی دقیق، شماره کد ملی، تلفن ثابت و همراه را یادداشت می‌کند و به‌نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به متهم به‌آسانی مقدور باشد همچنین به او تفهیم می‌کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌نماید محل اقامت قانونی اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل جدید را به‌گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند. به کلیه کسانی که در دادرسی شرکت دارند اخطار می‌نماید در موقع محاکمه برخلاف حقیقت، وجدان، قوانین ادب و نزاکت سخن نگویند» و به‌ویژه مفاد ماده ۳۵۴ ق.آ.د.ک که موضوع آن اخلاف در نظم دادگاه است تذکر می‌دهد.

۴-۱- جلسات مقدماتی

از جمله ابداعات جدید قانون‌گذار تعیین مهلت برای رفع ایراد و اعتراض نسبت به محتویات پرونده و تمدید آن است موارد مذکور به شرح زیر است: «۱) پس از تعیین، وکیل مدیر دفتر بلافاصله به متهم و وکیل او و حسب مورد، به شاکی یا مدعی خصوصی یا وکیل آنان اخطار می‌کند تا تمام ایرادها و اعتراض‌های خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تسلیم کنند. ۲) چنانچه پرونده را شخصاً بررسی، کند گزارش جامعی از آن را تنظیم می‌کند. ۳) در صورتی که به هر یک از دیگر اعضا ارجاع دهد آن قاضی گزارش را تهیه می‌نماید. مهلت تنظیم گزارش مبسوط توسط هر یک از اعضاء راجع به اتهام ادله و

براساس برنامه منظم بازرسی می‌نماید. در نظام دادرسی کیفری ایران، جرمی که در سطح جامعه ارتکاب می‌یابد، در اغلب موارد دارای جنبه عمومی است و دادسرا به‌منظور پاسداری از منافع جامعه و حقوق شهروندان و حفظ نظم عمومی، وظیفه تعقیب و اقامه دعوا از نظر جنبه عمومی را بر عهده دارد. در حقوق فرانسه نیز، دادستان امکان اعلام جرائمی که جنبه عمومی دارد را دارا است. قانون‌گذار فرانسه در ماده ۱ ق.آ.د.ک، این کشور مقرر داشته که: «دعوی عمومی توسط قضات یا کارمندانی که این مسئولیت، توسط قانون به آن‌ها سپرده شده است، برای اعمال مجازات‌ها، اقامه و اجرا می‌گردد». طبق ماده ۳۱ همان قانون، «دادسرا مسؤول تعقیب دعوی عمومی و درخواست اجرای قانون است». ریاست دادسرا را دادستان برعهده دارد. دادسرا در هر مرجع کیفری یک نماینده دارد که این امر، اجرای تصمیمات دادگستری را تضمین می‌نماید.

۳-۱- قرار رسیدگی

پس از اطمینان به این‌که پرونده ازهرجهت معد رسیدگی است قاضی دستور تعیین وقت داده و قرار رسیدگی صادر می‌کند. «هرگاه دادگاه در جلسه مقدماتی پرونده را کامل و قابل طرح برای دادرسی تشخیص دهد، بلافاصله دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار تمام اشخاصی را که حضورشان ضروری است صادر می‌کند» (ساولانی، ۱۳۹۴: ۲۳۸). در این مرحله، قاضی بایستی از ابلاغ احضاریه برای حضور در دادگاه مطمئن شود همچنین در صورتی که حضور دادستان الزامی باشد مراتب ابلاغ به وی را نیز کنترل کند. نخستین اقدامی که نسبت به متهم صورت می‌پذیرد؛ احضار نمودن وی برای تحقیق از او است. احضار، «دعوتی است که از طرف مقام قضایی برای یک شخص جهت حضور در مرجع قضایی به عمل می‌آید و به آن احضارنامه یا احضاریه می‌گویند» (گلدوست جویباری، ۱۳۹۵: ۱۱۶). در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، تعریفی از احضار نیامده است اما ماده ۵۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در تعریف احضاریه اعلام می‌دارد: «احضاریه عمل تحت تعقیب را بیان می‌کند و به متن قانونی که آن عمل را مجازات می‌کند، اشاره می‌نماید». و برابر ماده ۱۲۲ قانون مذکور، «دستور احضار به شخصی که علیه

وقتی تحقیقات مقدماتی در دادسرا به پایان رسید و کیفرخواست صادر شد. پرونده حسب مورد به دادگاه کیفری یک یا دو ارسال می‌شود. رئیس شعبه اول پرونده را به شعبه خود و یا به شعب دیگر ارجاع می‌نماید. آنچه مسلم است هیچ دادگاهی نمی‌تواند بدون ارجاع شروع به رسیدگی کند در غیر این صورت تمامی اقدامات او بی‌اعتبار خواهد بود.

در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، پرونده ابتدا نزد قاضی دادگاه مطرح شده و تحقیقات مقدماتی اعم از استماع شکایت شاکی شهادت شهود، تحقیق محلی معاینه محل و تفتیش و بازرسی توسط قاضی انجام شده و «پس از پایان تحقیقات مقدماتی چنانچه عمل انتسابی جرم نباشد یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد و یا به جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد. دادگاه حسب مورد قرار منع یا موقوفی تعقیب و در غیر این صورت قرار رسیدگی صادر می‌کند» (مه‌بادی، ۱۳۹۵: ۲۲۸).

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در مواقعی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شد شاخصی برای پایان یافتن تحقیقات مقدماتی وجود نداشت و صرفاً ارسال اخطار برای حضور در دادگاه بیانگر ورود اتهام بود اما در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ قانون‌گذار با تعیین قرار رسیدگی پایان مرحله مقدماتی را مشخص کرده است (مه‌بادی، ۱۳۹۵: ۲۵۳). «قرار رسیدگی» قرار جدید در پرونده‌هایی است که بدون کیفرخواست به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک مطرح می‌شود و صدور آن به‌منزله اعلام پایان تحقیقات مقدماتی و توجه اتهام به متهم برای شروع دادرسی است. و این قرار معادل قرار جلب به دادرسی در دادرست (خالقی ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۸). تعیین یا عزل وکیل پس از تشکیل جلسه رسیدگی پذیرفته نمی‌شود. ماده ۳۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری (عظیم زاده، ۱۳۹۵: ۹۶).

در تمامی جلسات دادگاه کیفری دو دادستان یا معاون او یا یکی از دایاران به تعیین دادستان می‌توانند برای دفاع از کیفرخواست حضور یابند به عبارت دیگر حضورشان اختیاری است و اختیاری بودن حضور اشخاص مزبور در دادگاه کیفری

جریان پرونده ده روز است». (مه‌بادی ۱۳۹۵: ۲۵۵ - ۲۵۶). تشکیل جلسات مقدماتی از ابتکارات قانون تشکیل محاکم جنایی مصوب ۱۳۳۷ بود که ماده ۳۸۹ ق.آ.د.ک آن را برای دادگاه‌های کیفری یک احیاء نموده است. اصولاً این جلسه، اداری است و بدون حضور طرفین و وکلای آن‌ها تشکیل می‌شود، مگر آن‌که دادگاه حضور آن‌ها را جهت ارائه توضیحات لازم. بداند با توجه به ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک مرجع تجدیدنظر قرارهای بند (ث) ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک دیوان عالی کشور است (خالقی، ۱۳۹۵: ۳۲۰). بر اساس ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ایران: «آرای صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه سه و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها نصف دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است و آرای صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است. پس قرار عدم صلاحیت صادره در دادگاه کیفری یک از طرف دادستان قابل تجدید نظر است». قرار موقوفی تعقیب صادره در دادگاه کیفری یک از طرف دادستان و شاکی یا مدعی خصوصی قابل تجدیدنظر است.

۲- ترتیبات جلسات دادرسی دادگاه

جلسه دادرسی بدوی، تجدید نظر و فرجام خواهی، ترتیبات جلسات دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه است که در این قسمت بررسی می‌شود.

۲-۱- جلسه دادرسی بدوی

۲-۱-۱- تعیین صلاحیت دادگاه

بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری ایران، دادگاه‌های کیفری که در مرحله بدوی به جرائم رسیدگی می‌نمایند عبارت‌اند از: ۱- دادگاه عمومی بخش؛ ۲- دادگاه کیفری دو؛ ۳- دادگاه کیفری یک؛ ۴- دادگاه انقلاب؛ ۵- دادگاه نظامی. از سوی دیگر، به موجب آیین‌نامه دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت، مصوب ۱۳۶۹ و اصلاحی ۱۳۸۴، دادگاه ویژه روحانیت مرجعی برای رسیدگی به جرائم روحانیون است، لذا با توجه به اینکه مرجع ایجاد این دادگاه آیین‌نامه مورد اشاره است از این رو در ماده ۲۹۴ ق.آ.د.ک، جزو دادگاه‌های کیفری بیان نشده است (خالقی، ۱۳۹۵: ۳۱۷).

دو، استثناء دارد و آن درجایی است که دادگاه حضور آن‌ها را لازم بداند ولی الزامی بودن حضور آن‌ها در دادگاه کیفری یک استثناء ندارد یعنی همیشه مکلف‌اند حاضر شوند. اختیاری یا تکلیفی بودن حضور دادستان یا نماینده یا معاون وی در جلسات دادگاه ناظر به تمام جلسات دادگاه، است نه فقط حضور در جلسه اول قرائت کیفرخواست. بنابراین اشخاص مزبور قانوناً مکلف‌اند در تمام جلسات دادگاه کیفری یک از اولین تا آخرین جلسه و نیز در جلساتی از دادگاه کیفری دو که قاضی تعیین می‌کند، حضور یابند. اگرچه عدم حضور این افراد اصولاً مانع رسیدگی نیست ولی با توجه به امکانات و تعداد مقامات قضایی، بسیار بعید است که اشخاص مذکور در تمام جلسات الزامی هم بتوانند حاضر شوند (خالقی ۱۳۹۵: ۲۵۸ - ۲۵۹). دادگاه کیفری دو دادگاهی عمومی بوده و اصل بر این است که صلاحیت رسیدگی به هر جرمی را دارد مگر آنکه رسیدگی به جرمی معین در صلاحیت دادگاه دیگری قرار گرفته است.

در نظام دادرسی کیفری فرانسه، دادگاه‌های کیفری بدوی رسیدگی‌کننده به جرائم اشخاص حقوقی، به سه گروه مراجع قضایی عمومی، مراجع قضایی اختصاصی و مراجع قضایی تخصصی تقسیم می‌شوند. الف) دادگاه خلاف: دادگاه خلاف همان دادگاه بخش است که برای رسیدگی به یک امر کیفری تشکیل جلسه می‌دهد. اصولاً این دادگاه بخشی از دادگاه مدنی دو است و به جرائم کوچکی رسیدگی می‌کند که حداکثر مجازات آن از سه هزار و ۷۵۰ یورو کمتر است؛ مثل جرائم راهنمایی و رانندگی و ضبط اموال مسروقه (شیروی، ۱۳۸۹: ۲۳۲). برابر ماده ۵۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه «این دادگاه از قاضی دادگاه بخش، مأمور دادرسی و مدیر دفتر تشکیل می‌شود». ب) دادگاه شهرستان (جنگه): دادگاه جنگه همان دادگاه شهرستان است که به جرائم جنگه‌ای رسیدگی می‌کند. اصولاً در دادگاه‌های جنگه چندین شعبه وجود دارد که یکی یا تعدادی از آن‌ها برای رسیدگی به امور کیفری تشکیل جلسه می‌دهند درواقع، دادگاه جنگه، بخشی از دادگاه مدنی یک تلقی شده و برابر ماده ۳۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به جرائم متوسط و جنگه‌ای رسیدگی می‌کند که مجازات آن‌ها بیشتر یا برابر با سه هزار و

۷۵۰ یورو جزای نقدی یا حداکثر ۱۰ سال حبس است؛ مانند جرائم و تخلفات مدنی از قبیل سرقت و کلاهبرداری. دادگاه مذکور، علاوه بر صلاحیت رسیدگی به جرائم جنگه‌ای، صلاحیت رسیدگی به جرائم خلافی را در صورتی که بین خلاف و جنگه ارتباط وجود داشته باشد نیز دارد. دادگاه جنگه شامل حداقل سه قاضی که یکی از آنان رئیس می‌باشد، یک نماینده دادرسی و مدیر دفتر است (لارگیه، ۱۳۷۸: ۴۰). ج) دادگاه جنایی: دادگاه جنایی به‌عنوان دادگاه درجه اول، صالح به رسیدگی به جنایات و جرائم مرتبطی است که در حوزه قضایی آن اتفاق افتاده است. این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جنایات بسیار بزرگی از قبیل قتل و تجاوز را دارد و می‌تواند مجازات‌های متفاوتی شامل جزای نقدی، ۱۰ یا ۲۰ یا ۳۰ سال زندان یا حتی بیشتر و حبس ابد تعیین کند. همچنین هنگامی که رأی شعبه تشخیص اتهام، مبتنی بر ارجاع پرونده به دادگاه جنایی است این دادگاه، صالح به رسیدگی خواهد بود. این دادگاه دارای دو ویژگی خاص است: اول این که این دادگاه دائمی نمی‌باشد، بدین صورت که اصولاً جلسات دادگاه جنایی، در هر سه ماه تشکیل می‌شود (اجلاس عادی)؛ دوم این که این مرجع از دو عنصر متمایز از هم تشکیل شده است: الف - این دادگاه به معنای خاص آن شامل سه قاضی (یک رئیس، رئیس شعبه یا مستشار در دیوان استیناف و دو معاون)، نماینده دادرسی و مدیر دفتر است (عنصر حرفه‌ای)؛ ب - هیأت منصفه که یک عنصر غیرحرفه‌ای در دادگاه جنایی است.

طبق مواد ۲۴۲ تا ۲۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه «دادگاه در معنای خاص کلمه شامل رئیس و مستشاران است که ریاست هر دادگاه جنایی بر عهده رئیس شعبه یا مستشار دادگاه تجدیدنظر می‌باشد و برای هر دوره سه‌ماهه با قرار رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر انتخاب می‌شود. تعداد مستشاران دو نفر است. آن‌ها توسط رئیس شعبه اول برای یک دوره سه‌ماهه و برای هر دادگاه جنایی از میان مستشاران دادگاه تجدیدنظر یا از میان رؤساء معاونین آن‌ها یا قضات دادگاه جنگه محل برگزاری جلسات انتخاب می‌شوند. قضاتی که در پرونده ارجاع شده به دادگاه جنایی، تعقیب یا تحقیق را بر عهده داشته یا در تصمیم راجع به اساس و ماهیت محکومیت متهم شرکت داشته‌اند، نمی‌توانند در دادگاه

۳۰۲ ق.آ.د.ک.^۱ متشکل از ۳ قاضی می‌باشد. بنابراین دادگاه انقلاب در صورت صلاحیت نسبت به جرائم تحت صلاحیت دادگاه کیفری یک با حضور ۳ قاضی رسیدگی خواهد کرد و در سایر موارد با حضور یک قاضی رسیدگی می‌کند.

اصولاً قانون‌گذار نباید عدول از قواعد صلاحیت را مجاز بداند چراکه در این صورت قاعده صلاحیت زیر پا گذاشته می‌شود و ارزش کاربردی و اجرایی خود را از دست می‌دهد (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳: ۲۵۲). علاوه بر این یکی از پیش شرط‌های رسمی و اعتبار رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی یک دادگاه درباره اتهام کیفری، برخورداری از صلاحیت کامل و همه‌جانبه است.

۲-۱-۲- نحوه تشکیل و اداره جلسه رسیدگی

رئیس دادگاه برای رسیدگی اقدامات زیر را انجام می‌دهد: ۱- پس از حضور اصحاب دعوی دادستان، وکلا و احياناً شهود و مطلعان، رسمیت جلسه را اعلام می‌کند. ۲- از متهم می‌خواهد که خود را به‌طور کامل و با نشانی دقیق و شماره تلفن معرفی کند و به او تفهیم می‌کند چنانچه نشانی خود را تغییر داد به دادگاه اعلام نماید والا اوراق قضایی به همان نشانی قبلی ابلاغ خواهد شد. ۳- به متهم اخطار می‌کند مواظب اظهارات خود باشد زیرا تمام مطالب در صورت مجلس درج می‌شود و به اشخاصی که در جلسه رسیدگی شرکت دارند اخطار می‌کند مطلبی را برخلاف حقیقت وجدان، قوانین ادب و نزاکت اظهار نکنند.

رسیدگی در دادگاه برخلاف مرحله تحقیقات مقدماتی به‌صورت توافقی انجام می‌شود یعنی طرفین به جلسه دادرسی دعوت می‌شوند و هر یک در حضور دیگری مطالبی را در اثبات موضع خود بیان می‌کند و از موضع و اظهارات طرف دیگر آگاه می‌شود (خالفی، ۱۳۹۳: ۳۰۵). به بیان ساده‌تر یعنی

به‌عنوان رئیس یا مستشار دخالت کنند». دادگاه جنایی در جلسه دادگاه، از مساعدت یک منشی برخوردار می‌شود. وظایف دفتر دادگاه در شهر پاریس و در استان‌هایی که دادگاه تجدیدنظر مستقر است توسط مدیر دفتر یا منشی دادگاه تجدیدنظر انجام می‌شود و در استان‌های دیگر، این وظایف بر عهده مدیر دفتر یا منشی دادگاه جنحه است. وظایف دادرسی در دادگاه جنایی بر اساس شرایط مشخص‌شده در ماده‌های ۳۴ و ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اجرا می‌شود.

از توجه به ماده ۳۱۳ و تبصره‌های یک و دو ماده ۳۱۴ معلوم می‌شود که قانون‌گذار صلاحیت عمومی را به دادگاه کیفری داده و برحسب اهمیت جرم آن را به کیفری یک و کیفری دو تقسیم نموده است. در مقابل صلاحیت اختصاصی را از آن دادگاه‌های اطفال انقلاب و نظامی و دادگاه ویژه روحانیت در خارج از این قانون دانسته است. بدین ترتیب، «برخلاف قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (اصلاحی ۱۳۸۱) که دادگاه کیفری استان را دارای صلاحیت‌های محدود و مصرح دانسته و مجوز رسیدگی به جرائم داخل در صلاحیت دادگاه عمومی جزایی را به آن نداده بود و می‌توانستیم از این امر اختصاصی بودن آن دادگاه را استنباط نماییم قانون حاضر دادگاه‌های کیفری یک و دو را از لحاظ ذاتی دارای صلاحیت متفاوت ندانسته است به‌گونه‌ای که می‌توان دادگاه کیفری یک را شعبه تخصصی دادگاه کیفری دو به (عنوان دادگاه عمومی) دانست» (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۶۰).

در حقوق کیفری فرانسه دادگاه‌های جنایی (ماده ۲۳۱ ق.آ.د.ک فرانسه)، جنحه (ماده ۳۸۱ ق.آ.د.ک فرانسه) و دادگاه پلیس و دادگاه محلی پلیس (ماده ۵۲۱ ق.آ.د.ک فرانسه)، صلاحیت رسیدگی به جرائم کیفری را در مرحله بدوی دارند. در حقوق کیفری ایران، دادگاه بدوی اعم از مراجع عمومی و اختصاصی است. بنابراین دادگاه‌های کیفری یک و دو، دادگاه نظامی، دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه انقلاب دادگاه بدوی محسوب می‌شوند همه دادگاه کیفری بدوی متشکل از یک نفر قاضی بوده به‌غیر از دادگاه کیفری یک که متشکل از قاضی و دادگاه انقلاب که در رسیدگی به جرائم مشمول ماده

^۱ - ماده ۳۰۲ به جرائم زیر در دادگاه کیفری رسیدگی می‌شود:

الف - جرائم موجب مجازات سلب حیات؛

ب - جرائم موجب حبس ابد؛

پ - جرائم موجب مجازات قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی

با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن؛

ت - جرائم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر.

طرفین ادله خود را برای اثبات ارائه و در رفع دلیل دیگری می‌کوشند.

در امور کیفری اصل آزادی تحصیل دلیل به قاضی این اختیار را می‌دهد که در حدود، قانون هر آنچه برای کشف حقیقت لازم می‌داند انجام دهد و محدود به بررسی دلایلی نباشد که طرفین در اختیارش نهاده‌اند (خالقی، ۱۳۹۳: ۳۶۱). از لحاظ نحوه رسیدگی، حضور دادستان یا نماینده یا معاون وی برای دفاع از کیفرخواست، در دادگاه کیفری دو اختیاری است. اما حضور دادستان یا نماینده یا معاون او برای دفاع از کیفرخواست در تمامی جلسات دادگاه کیفری یک الزامی است.

۲-۱-۳- حق دسترسی به وکیل

مطابق ماده ۳۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است. در غیرجرائم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند». بر اساس ماده ۳۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری در صورتی که هریک از اصحاب دعوی وکلای متعدد داشته باشد، حضور یکی از آنان برای تشکیل جلسه دادگاه کافی است. پس در صورت تعدد وکلا حکم قانونی فوق مبنی بر کفایت حضور یک وکیل برای تشکیل دادگاه و رسیدگی آن شامل مواردی هم می‌شود که وکلای مرقوم حسب قرارداد متفقاً برای انجام موضوع وکالت اختیار یافته باشند. «در جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک جلسه رسیدگی بدون حضور متهم تشکیل نمی‌شود» (خالقی، ۱۳۹۳: ۳۱۹). «اگر متهم وکیل معرفی نکرده باشد مدیر دفتر دادگاه ظرف پنج روز به او اخطار کند که وکیل خود را حداکثر تا ۱۰ روز پس از ابلاغ به دادگاه معرفی نکند. اگر متهم علی‌رغم اخطار مدیر دفتر دادگاه وکیل معرفی نکند مدیر دفتر پرونده را نزد رئیس دادگاه ارسال می‌کند تا طبق مقررات برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود» (عظیم زاده، ۱۳۹۵: ۹۶). بر اساس ماده ۱-۳-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه «در صورت عدم امکان

انتخاب وکیل، پلیس مکلف است از طریق کانون وکلای محل، وکیلی را به درخواست شخص تحت نظر، برای او تعیین کند». «در حقوق ایران با آنکه ماده ۴۸ حق استفاده از وکیل مدافع را با شروع تحت نظر پذیرفته است، متأسفانه اشاره‌ای به تعیین وکیل مدافع رایگان برای متهمانی که قادر به تعیین وکیل برای خود در این مرحله نیستند، نکرده است» (ساقیان، ۱۳۹۳). همچنین در قانون آیین دادرسی کیفری ایران مطابق تبصره ماده ۴۸، انتخاب وکیل در پاره‌ای جرائم علیه امنیت ملی با محدودیت مواجه شده است.

۲-۱-۴- عدم اطاله دادرسی و پیش‌بینی مهلت معقول دادرسی

چنانچه فرایند دادرسی بدون دلیل موجه و قانونی دچار اطاله غیرطبیعی گردد به موازین دادرسی عادلانه به‌عنوان مفهومی از حقوق شهروندی خدشه وارد می‌شود بر این اساس می‌توان فوریت در رسیدگی و جلوگیری از تأخیر ناروا را از مؤلفه‌های اصل مهلت معقول دانست. لذا، نظام عدالت کیفری بایست در انجام رسیدگی‌های به کوتاه‌ترین زمان ممکن اهتمام ورزد در مقررات آیین دادرسی کیفری کشورمان تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این اصل به‌صورت صریح مورد توجه نگارندگان نصوص قانونی قرار نگرفته بود می‌توان گفت برای نخستین بار در ماده ۳ قانون مذکور در مقام شناسایی یکی از اصول دادرسی عادلانه قانون‌گذار مقرر نموده است که رسیدگی و اتخاذ تصمیم باید در کوتاه‌ترین مهلت ممکن انجام‌شده و در این فرایند بایست از هر اقدام که باعث ایجاد اختلال و طولانی شدن دادرسی کیفری می‌شود جلوگیری گردد با این حال برخی از صاحب‌نظران فرانسوی در رابطه با این ضابطه به برخی از آرای دیوان عالی کشور فرانسه استناد نموده‌اند که به‌موجب آن همیشه اطاله دادرسی را در مقابل مهلت معقول ندانسته نشده است در حقیقت به عقیده، دیوان در فرضی که نفع یکی از طرفین دعوا یا نفع هر دو طرف اقتضا نماید به درازا کشیدن فرایند رسیدگی مغایر با امثال به مهلت معقول دادرسی نیست (Malaba, 2016: 81).

درخصوص نوع پیش‌بینی مهلت معقول دادرسی و عنایت به آن مقنن فرانسه در قانون آیین دادرسی کیفری به‌نحو صریح

دفاعی متهم مثل انتخاب الزامی وکیل توسط خود متهم و یا رئیس دادگاه یا نماینده او (ماده ۲۷۴ و ۲۷۵) حق درخواست رونوشت رایگان از همه اوراق پرونده برای طرف‌های دعوا (ماده ۲۷۹) پذیرفته شده است به‌طور کلی با رجوع به قواعد و مقررات مربوط به مرحله تجدیدنظر می‌توان وجود حق آگاهی کامل از مفاد پرونده را برای طرفین قائل شد. بی‌گمان، همه مقررات جدید در این باره بر پایه اصل برابری سلاح‌ها میان همه طرف‌های دعوا وضع شده است. علاوه بر این با رجوع به مواد ۳۱۲ و ۴۴۲ ق.آ.د.ک فرانسه ملاحظه می‌شود که وکلای طرف دعوا می‌توانند پرسش‌های خود را به‌طور مستقیم و بعد از گرفتن اجازه از رئیس دادگاه از متهم، مدعی خصوصی گواهان و همه اشخاصی که به دادگاه فراخوانده می‌شوند بپرسند. در قانون آیین دادرسی کیفری سابق (ماده ۱۹۸ و ماده ۲۶۵ در خصوص رسیدگی در دیوان مصوب ۱۳۹۲ در خصوص حق استفاده از وکیل (مواد ۳۴۵ تا ۳۵۰) و در خصوص دسترسی به پرونده (ماده ۳۵۱) نیز قواعدی وضع شده که نشان از توجه قانونی کردن اصل تساوی سلاح می‌باشد.

تجدیدنظرخواهی از آرای دادگاه خلاف در جرائم اشخاص حقوقی در دادگاه تجدیدنظر مطرح می‌شود. دادگاه تجدیدنظر فقط از یک رئیس شعبه تجدیدنظرهای جنحه‌ای که به‌صورت قاضی واحد حضور می‌یابد تشکیل می‌شود (بند سوم ماده ۵۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه). مطابق ماده ۵۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مهلت تجدیدنظرخواهی از آرای دادگاه خلاف، ظرف مدت ده روز از تاریخ صدور رأی حضوری می‌باشد و در صورتی که رأی به‌صورت غیابی صادر شده باشد، مهلت تجدیدنظرخواهی فقط از تاریخ ابلاغ رأی، به هر صورتی که باشد، شروع می‌گردد.

براساس ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه اگر آراء صادره در خصوص جرائم اشخاص حقوقی از موضوعات جنحه‌ای باشد می‌تواند از طریق تجدیدنظرخواهی، مورد اعتراض قرار گیرند. تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر مطرح می‌شود. در خصوص ترکیب شعبه تجدیدنظر در موضوعات جنحه‌ای مرتبط با جرائم اشخاص حقوقی، مقررات

و شفاف به اصل مهلت معقول دادرسی به‌مانند آنچه مقنن ایرانی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید و منشور حقوق شهروندی عمل نموده، اقدام نموده و در این قانون، اساساً ضمن پذیرش این اصل در بند سوم ماده، مقدماتی به فراخور، مواعد و مهلت‌هایی را در موارد مختلف مرحله پیش دادرسی و دادرسی لحاظ نموده که عمده‌تاً مبتنی بر متعارف‌بودن این بازه‌های زمانی است (کوشکی ۱۳۹۴: ۲۱۱). علاوه بر این باید توجه داشت که وفق ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری، فرانسه دادرسی منصفانه به‌صراحت توسط قانون‌گذار این کشور پیش‌بینی شده (Prade, 2011: 48) که از این جهت و با توجه به جای‌گیری مفهوم مهلت معقول در دادرسی عادلانه، می‌توان به حمایت کامل این اصل توسط مقنن فرانسوی اشاره نمود.

۲-۲- جلسه تجدیدنظر

طبق ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، «دادگاه تجدیدنظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آراء غیرقطعی کیفری است به‌استثنای مواردی که در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد». ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک، اصل را بر قابل تجدیدنظر بودن آراء قرار داده است. و مواد ۴۲۶ و ۴۶۲ همان قانون، به تعیین مرجع تجدیدنظرخواهی از آراء می‌پردازند. با توجه به مواد مذکور، می‌توان بیان داشت که؛ مرجع اعتراض آراء صادره در خصوص جرائم اشخاص حقوقی، دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد مگر در موارد مقرر در ماده ۴۲۸ ق.آ.د.ک، که مرجع اعتراض را دیوان عالی کشور بیان نموده است.

در نظام دادرسی کیفری ایران، اصل بر غیرقطعی بودن و امکان تجدیدنظرخواهی می‌باشد، مگر در مواردی که مجازات آن بسیار خفیف (بندهای الف و ب ماده ۴۲۷ ق.آ.د.ک) باشد. از این‌رو، کلیه جرائم تعزیری درجه ۱ تا ۷، ارتکاب یافته از سوی اشخاص حقوقی، قابل تجدیدنظر هستند. از ایراداتی که می‌توان برای ماده مزبور گرفت می‌توان به عدم تعیین سقف برای ضبط و مصادره اموال اشاره کرد.

در حقوق کیفری فرانسه نیز اصل مذکور در غالب موارد در مراحل دادرسی پذیرفته و رعایت شده است. رعایت حقوق

در حقوق فرانسه، واخواهی از آراء غیابی صادره درخصوص جرائم اشخاص حقوقی به‌مانند سایر احکام، در مواد ۴۱۲ و ۴۸۷ تا ۴۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه پیش‌بینی شده است. بر اساس مواد یادشده، به‌استثنای مواردی که در آن‌ها رسیدگی غیابی امکان‌پذیر نیست؛ هرگاه نماینده قانونی شخص حقوقی یا وکیل آن در صورت احضار شخص حقوقی، در روز و ساعت تعیین‌شده، حاضر نشود رسیدگی به‌صورت غیابی به عمل خواهد آمد. در صورت واخواهی، اجرای رأی در تمام ابعادش متوقف می‌شود مگر این‌که متهم این واخواهی را به ابعاد مدنی حکم محدود نماید. برابر مواد یادشده از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، واخواهی به اطلاع دادسرا می‌رسد و دادسرا موظف است مدعی خصوصی را از این واخواهی توسط نامه سفارشی با قبض وصول، آگاه سازد. مدت واخواهی در حقوق فرانسه، اگر اقامتگاه یا مرکز اصلی شخص حقوقی در فرانسه باشد، ده روز و اگر در خارج از سرزمین فرانسه باشد یک ماه از تاریخ ابلاغ خواهد بود.

طبق ماده ۴۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مهلت واخواهی از روزی که متهم بر این امر آگاهی یافته است شروع می‌شود. در نظام قانون‌گذاری ایران و فرانسه دیوان عالی کشور به‌منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و انجام مسؤولیت‌های که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی و قواعد مشخص تشکیل شده است. این دیوان از برجسته‌ترین قضات کشور تشکیل شده است. دیوان عالی کشور در اجرای قوانین و مقررات در محاکم کیفری دارای وظایف و اختیاراتی است.

در حقوق کیفری فرانسه دیوان عالی کشور عهده‌دار بررسی درخواست فرجام، در خصوص حکم دادگاه استیناف بوده و بررسی می‌کند که آیا قانون به‌درستی و بر اساس قانون اجرا شده یا خیر. اگر رأی صادره به‌موجب قانون صادر شده باشد، فرجام‌خواهی رد می‌شود و اگر معتقد باشند که قانون رعایت نشده تصمیم مورد اعتراض را نقض کرده و پرونده را برای رسیدگی ماهوی به مرجعی هم‌عرض و هم‌درجه با دادگاهی که تصمیم مورد اعتراض را صادر نموده است ارسال می‌نماید تا مراحل بعدازآن به‌موجب قانون اعمال شود.

پیش‌بینی‌شده در ماده ۵۱۰ قانون مذکور حکم‌فرما می‌باشد. بر اساس این ماده، «شعبه تجدیدنظرهای جنحه‌ای از یک رئیس شعبه و دو مستشار تشکیل می‌شود. وظایف دادسرا توسط دادستان استان یا یکی از دادیاران یا جانشین آن‌ها انجام می‌شود؛ وظایف دفتر نیز توسط مدیردفتر دادگاه تجدیدنظر انجام می‌شود. تعداد و روز جلسات دادگاه جنحه، در پایان هر سال قضایی برای سال قضایی بعدی با تصمیم مشترک رئیس شعبه اول و دادستان استان بعد از نظر هیأت عمومی دادگاه تجدیدنظر، تعیین می‌شود. در صورت ضرورت، این تصمیم می‌تواند در همان شرایط در طول سال، تغییر داده شود».

اگر آراء صادره درخصوص جرائم اشخاص حقوقی از دادگاه جنایی صادرشده باشند براساس مواد ۱ تا ۱۵-۳۸۰ ق.آ.د.ک.ف، تجدیدنظرخواهی به ترتیب ذیل به عمل خواهد آمد. بر اساس مواد یادشده، آراء محکومیت صادره توسط دادگاه جنایی در مرحله نخست، در دادگاه جنایی دیگری که توسط شعبه جنایی دیوان عالی کشور تعیین می‌شود، مطرح می‌شود. رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر جنایی با حضور هیأت منصفه خواهد بود.

۲-۳- فرجام‌خواهی (دیوان عالی کشور)

دیوان عالی کشور مرجع قضایی دیگری برای رسیدگی به اعتراض قبل از قطعیت حکم است که به‌موجب ماده ۴۶۲ ق.آ.د.ک، در تهران مستقر است و شعب آن از رئیس و دو مستشار تشکیل می‌شود و مرجع فرجام‌خواهی در جرائم موضوع ماده (۴۲۸) این قانون است. مطابق ماده ۴۶۳ قانون مذکور، دیوان عالی کشور به تعداد لازم، عضو معاون دارد که می‌توانند وظایف مستشار یا رئیس را بر عهده گیرند.

هرچند که ماده ۴۶۸ ق.آ.د.ک، به‌طور صریح به شکلی بودن رسیدگی در دیوان عالی کشور اشاره‌ای نکرده است اما می‌توان گفت که رسیدگی در دیوان عالی کشور شکلی است زیرا بر اساس ماده مزبور، اطراف دعوا یا وکلای آن‌ها جهت رسیدگی احضار نمی‌شوند مگر آن‌که شعبه رسیدگی‌کننده حضور آن‌ها را لازم بداند و عدم حضور احضارشوندگان موجب تأخیر در رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمی‌گردد.

قبل از هرچیز ابتدا توسط رئیس شعبه یا عضو دیگری به تعیین او که در این حالت عضو ممیز نام می‌گیرد گزارشی از پرونده تهیه می‌شود بر اساس ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری «عضو ممیز، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل درباره فرجام‌خواهی و جهات قانونی آن است به‌صورت مستدل تهیه و به رئیس شعبه تسلیم می‌کند». قانون آیین دادرسی کیفری در هنگام رسیدگی به پرونده ابتدا این گزارش قرائت می‌شود. سپس قبل از اتخاذ تصمیم اعضاء دادستان کل کشور یا نماینده وی معمولاً دادیار دادرسی دیوان کشور باید نظر خود را در مورد نقض یا تأیید حکم اعلام دارد که در متن دادنامه نیز درج خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در رسیدگی قانونی در دادگاه درخصوص صلاحیت رسیدگی به جرائم کیفری در مرحله بدوی، در هر دو حقوق کیفری ایران و فرانسه، قواعد و مقررات نسبتاً مشترکی در خصوص صلاحیت دادگاه‌های مذکور وضع شده است اما وجوه متمایز دو نظام مذکور مربوط به شیوه تعیین صلاحیت مراجع قضایی کیفری در مرحله بدوی است. به عبارت دیگر، در نظام حقوق کیفری فرانسه دادگاه‌های بدوی شامل؛ دادگاه‌های جنایی جنحه و دادگاه پلیس و دادگاه محلی پلیس بوده لکن در نظام حقوق کیفری ایران دادگاه بدوی اعم از مراجع عمومی و اختصاصی است و دادگاه‌های کیفری یک و دو دادگاه نظامی دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه انقلاب دادگاه‌های بدوی محسوب می‌شوند. بنابراین اگرچه در هر دو نظام کیفری، قانون‌گذار دادرسی یک مرحله‌ای را مورد پذیرش قرار نداده لیکن تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته در خصوص صلاحیت مراجع کیفری بدوی کاملاً باهم متفاوت می‌باشند. به عبارت دیگر در هر دو نظام کیفری تشکیلات صورت گرفته نسبت به مراجع صالح به رسیدگی در مرحله بدوی، قانونی بوده اما شیوه تعیین رسیدگی به جرائم مختلف کیفری دارای تفاوت‌های آشکار است.

در نظارت بر اجرای صحیح قوانین و مقررات یا به عبارت دقیق‌تر نظارت بر اجرای دادرسی قانونی مقامات قضایی دیوان عالی کشور فرانسه تکالیف گسترده‌تری نسبت به

به‌موجب قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه عدم رعایت تشریفات قانونی در آراء شعب تحقیق و آراء و احکام آخرین مرجع (ماده ۵۹۱ و ۵۹۳)، عدم رعایت تعدد قضات یا به عبارت دیگر ترکیب غیرقانونی مراجع دادرسی، و عدم رعایت قواعد مقرر در تعیین مجازات (ماده ۵۹۶) از موارد نقض رأی صادره آخرین مرجع صالح توسط دیوان عالی کشور می‌باشد علاوه بر این در رویه قضایی فرانسه نیز بر الزام قاضی صادرکننده رأی بر رعایت تمامی عناصر جرم (به‌خصوص عنصر قانونی) تأکید کرده است.

به‌موجب قانون آیین دادرسی کیفری ایران ازجمله وظایف قضات دیوان عالی کشور در رسیدگی فرجامی، بررسی ادعای عدم رعایت قوانین مربوط به تقصیر متهم و مجازات قانونی او و عدم انطباق مستندات با مدارک موجود در پرونده می‌باشد که ازجمله جهات فرجام‌خواهی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، دیوان عالی کشور مرجع فرجام‌خواهی در جرائم موضوع ماده (۴۲۸) این قانون است.

ماده ۴۲۸ مقرر می‌دارد: «آراء صادره درباره جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بخشی از آن است و نیز آراء صادره درباره جرائم سیاسی و مطبوعاتی قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است». با رجوع به مواد ۲۹۷ و ۱۳۰۲ ملاحظه می‌شود که دیوان عالی کشور در مقام تجدیدنظر به آراء صادره از دادگاه کیفری یک و همچنین برخی از جرائم در صلاحیت دادگاه انقلاب رسیدگی می‌کند.

«در دیوان عالی کشور، اصولاً رسیدگی شکلی است، یعنی در دیوان، صلاحیت مرجع صادرکننده حکم شیوه‌های بکار گرفته شده توسط آن برای رسیدگی و کشف حقیقت، ارزشی که آن دادگاه برای دلایل موجود در پرونده برای صدور حکم قائل شده و انطباق آن حکم با قانون موردبررسی قرار می‌گیرد. اصل نیز بر این است که طرفین برای رسیدگی احضار نمی‌شوند، مگر آنکه شعبه رسیدگی کننده حضور آن‌ها را لازم بداند» (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۵۴ الی ۱۵۸).

مقامات قضایی کشورمان در دیوان مذکور دارا هستند. به موجب قانون آیین دادرسی کیفری ایران از تکالیف مهم دیوان عالی کشور (هیأت عمومی) رفع اختلاف نظر قضات می باشد که به صدور رأی وحدت رویه ختم می شود. اما به نظر می رسد قاعده مقرر نسبت به شیوه ای که در نظام حقوق کیفری فرانسه به کار برده، بهتر از صدور رأی وحدت رویه برای اجرا و رفع اختلاف قضات مؤثر است. زیرا فرجام خواهی به نفع قانون بهتر از صدور رأی وحدت رویه برای اجرا و رفع اختلاف قضات نسبت به قانون در ایران می تواند مثمر ثمر واقع شود. زیرا این نوع فرجام حتی ممکن است در صورت فقدان فرجام خواهی از سوی طرفین دعوا نیز انجام پذیرد. همچنین فرجام خواهی به نفع قانون به منافع اصحاب دعوا سود و ضرر وارد نمی کنند. در حقوق کیفری ایران برعکس نظام حقوق کیفری فرانسه اصولاً برای قضات دیوان «اختیارات» قابل توجهی در راستای کمک به رعایت بیش از پیش اصل قانون بودن دادرسی کیفری وضع نشده است و در غالب موارد مقامات قضایی مذکور مکلف به اجرای قوانین و مقررات هستند اگرچه در موارد استثنایی همچون احضار طرفین دعوی و کلای آنان و یا درخواست اعاده دادرسی از رئیس قوه قضائیه به دلیل خلاف شرع به بودن رأی قطعی اعم از حقوقی و کیفری، قانون گذار به قضات دیوان اختیاراتی اعطا نموده است. در مقابل در نظام حقوق کیفری فرانسه، مرجع اعاده دادرسی دارای اختیارات مهم تر و گسترده تری همچون دستور به تعلیق اجرای محکومیت، مجاز بودن در اعمال قواعد مربوط به آزادی مشروط در آن و دستور به اعمال تدابیر تحقیقات فوق العاده در فرایند دادرسی می باشد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: مقاله حاضر منفرداً توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از همه کسانی که در نگارش این مقاله نویسنده را یاری نموده اند، نهایت قدردانی و تشکر را دارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- آشوری، محمد (۱۳۷۵). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.

- آشوری، محمد (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ بیستم، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

- خالقی، علی (۱۳۹۳). *نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.

- خالقی، علی (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری*. چاپ نهم، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش های شهر دانش.

- رضا قلی زاده، ابراهیم؛ میرزاجانی، حمیدرضا و شایگان فرد، مجید (۱۴۰۰). «واکاوی مبنا و ماهیت رسیدگی فرجامی در نظام دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، *مجله آموزه های حقوق کیفری*، ۱۸ (۲۱): ۱۴۱-۱۷۰.

- ساقیان، محمدمهدی (۱۳۹۳). «تحولات حق متهم برداشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران». *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی*، ۱ (۱): ۱۰۳-۱۱۸.

- سالاری، بهرام و بابایی خانه سر، عباس (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه». *مجله فقه حقوق و علوم جزا*، ۲ (۲): ۸۹-۹۸.

- ساولانی، اسماعیل (۱۳۹۴). *قانون آیین دادرسی کیفری بر اساس آخرین اصلاحات ۱۳۹۴ (آرای وحدت رویه و نظریات مشورتی اداره کل حقوقی)*. چاپ نهم، تهران: نشر دادآفرین.

- Malaba, V (2016). *Procédure Pénale*, PUF, Paris.
- Pradel, J (2011). *Procédure Pénale*. Paris: Dalloz.

- سپهری، روح‌الله (۱۳۹۴). «عدول از صلاحیت محلی در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه». *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۰: ۹۵-۲۱۰.

- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۳). *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*. جلد سیزدهم، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه

- شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۹). *حقوق تطبیقی*. چاپ نهم، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

- عظیم زاده، شادی (۱۳۹۵). «از جبران خسارت ناشی از جرم علیه کودک تا نحوه ترمیم خسارت». *نشریه پژوهش حقوق کیفری*، ۱۷ (۵): ۳۱-۶۵.

- کوشکی، علی (۱۳۹۴). «نقش مقامات دادرسی در تحقق حقوق بزه دیده و متهم در فرایند کیفری». *مجله میزان*، ۶: ۲۱۱.

- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۳). *کلیات آیین دادرسی کیفری*. چاپ ششم، تهران: انتشارات جنگل.

- لارگیه، ژان (۱۳۷۸). *آیین دادرسی کیفری فرانسه*. ترجمه حسن کاشفی اسمعیل زاده، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.

- مهابادی، علی‌اصغر (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری کاربردی (با اصلاحات ۱۳۹۴)*. چاپ پنجم، تهران: نشر دور اندیشان.

- مهدی پور مقدم، علیرضا و شاملو، باقر (۱۳۹۶). «تحلیل حقوقی اعلام جرم در تعقیب کیفری». *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴ (۲): ۲۷۵-۲۹۶.

- یزدی نظری نژاد، محمد (۱۳۸۳). *سیاست جنایی ایران در قبال جرائم اقتصادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ب. منابع فرانسوی

- Bernard, B (2006). *Procédure Pénale*. Paris: Dalloz.